

دست دارند، در داخل کشور سرعت رو به گسترش است، اما با کمال تأسف، در مهاجرت که نفرت از جمهوری اسلامی جانشین منطق مبارزه با حکومت جمهوری اسلامی شده، این شناخت و آگاهی هنوز در سطحی نیست که در مطبوعات وابسته به اپوزیسیون بازتاب ضروری خود را بیابد؛ به همین دلیل است که انعکاس وقایع، رویدادها و مبارزات داخل کشور در خارج از کشور، امروز به یک وظیفه سیاسی و توده‌ای تبدیل شده است!

حاج بادامچیان در مصاحبه خود و درباره جناح‌بندی‌ها در جمهوری اسلامی، همصدا با برخی سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون می‌گوید:

«... اصلاً زوجیه بعضی‌ها این قضایاست که دنبال تفرقه در جامعه هستند و دنبال مسائل تضادی هستند. در همین انتخابات اخیر (منظور دوره پنجم مجلس است) شما دیدید که جناح‌بندی کردند. یک گروه جناح راست، یک گروه جناح چپ. بنده در مجلس دوم، آن موقع هم که این بازی‌ها را در آوردم، عرض کردم که آقایان محترم اگر در خط امام هستید، در خط امام جناح چپ و راست نداریم. خط امام، یعنی خط فقه اصیل اسلامی، فقه صاحب جواهر، یا تشخیص مجتهد زنده‌ای مثل امام و ولایت‌پذیری. بنابراین اینکه شما بیایید و بگویند که در خط امام دو جناح هست که یکی طرفدار سرمایه‌دار است و دیگری طرفدار جنگ فقر و غنا است، این می‌خواهد پولداری را حاکم کند و آن می‌خواهد مثلاً فقر را حاکم کند، خوب این بحث‌هایی که پیش می‌آید نتیجه‌اش چه می‌شود، نتیجه‌اش این می‌شود که توده مردم به شما بی‌اعتماد می‌شود. توده مردم که بی‌اعتماد می‌شود، به انزوی سیاسی کشیده می‌شود. یکی از این کسانی که سردمدار این بحث‌هاست، روزنامه "سلام" است... روزی که روزنامه سلام تاسیس شد خوشحال شدم، اما بعد متوجه شدیم که اینها در این قضایا، در تیر زدن، در مقاله نوشتن در قضایا یک جهت خاص دارند، همین قضایا حالا به جایی رسیده که در این دوره انتخابات حالا دیگر چپ و راست هم نبود، اینها هم تقسیم شدند به راست سنتی، راست جدید، چپ قدیم، چپ جدید، چپ کهنه، چپ نیم‌مدار، چپ وصله دار. نتیجه چه شد؟ ما گفتیم که این مسائل را راه نیاندازید...»

راه توده: این مصاحبه بادامچیان مربوط به بعد از انتخابات مجلس پنجم است. بادامچیان به خبرنگار یا خبرنگاران روزنامه سلام می‌گوید که با این بحث‌هایی که راه انداخته‌اید، منزوی شده‌اید. این ادعا در حالی مطرح می‌شود، که در همان انتخابات مجلس پنجم که بادامچیان به آن اشاره می‌کند، مردم نه به بادامچیان و نه به دیگر رهبران مولف‌فلسه اسلامی رای ندادند و در واقع مولف‌فلسه اسلامی باید بی‌به انزوی خود در میان مردم برده باشد!

اگر اپوزیسیون جمهوری اسلامی، از سیاست تحریم پیروی نکرده بود و یا اگر سیاست و مشی خود را بر اساس رویدادهای داخل کشور متمرکز می‌کرد و یا بکند، آنوقت می‌توان بر کناری با زندگان انتخابات اخیر مجلس را به شعار جنبش مردم برای آزادی خواهی و ارجاع ستیزی تبدیل کرد. ارجاعی که به گفته خانم "رجانی" سرمایه‌داری جمهوری اسلامی پشت آن سنگر گرفته است. بادامچیان با انکار چپ و راست، می‌خواهد مرزهایی را که مردم بین خود با طرفداران مطلقه حکومت بازار و ارجاع مذهبی کشیده‌اند، درهم ریخته و همه ریش و تسیب دارها و نماز خوان‌ها را یکدست معرفی کند. این درواقع همان تز «رژیم ملاحا»ی کیهان لندن است. این تلاش مضاعف برای مغشوش کردن مرزها از سوی رهبران حزب بازار و سلطنت‌طلبان در اپوزیسیون خارج از کشور را باید با تلاشی مضاعف افشا کرد و اجازه نداد مرزها نزد توده مردم مغشوش جلوه کند. همانقدر که برای یکدست جلوه دادن جناح‌بندی‌ها توسط سران حزب سرمایه‌داری تجاری ایران اهمیت حیاتی دارد، تدقیق این صفت‌بندی‌ها توسط اپوزیسیون مترقی و تحول‌خواه جمهوری اسلامی نیز جنبه حیاتی دارد.

باز گردیم به بخش‌های دیگری از مصاحبه اسدا الله بادامچیان.

«... این تعاریف چپ و راست، از غرب و شرق آمده. ما نصیحت می‌کنیم که این بحث‌ها را نکنید و تفرقه نیاندازید.»

در اینجا خبرنگار و یا خبرنگاران سلام بدروستی و بعنوان ستوال مطرح می‌کنند: «... اختلاف دیدگاه وجود دارد. چه در زمان امام و چه حالا. ما در مصادیق با هم به اشکال برخورد می‌کنیم. مثلاً ما دیدیم که در یک جریان امام گفت که به نخست وزیر رای بدهند و یک عده در مجلس رای ندادند. یعنی بحث مولوی و ارشادی را به راه انداختند.»

راه توده: این اشاره ایست به گروه ۹۹ نفره نمایندگان مجلس اسلامی در زمان حیات آیت الله خمینی، که وابسته به بازار، مولف‌فلسه و روحانیت مبارز

برای اپوزیسیون که بخواهد واقعا در جنبش مردم شرکت داشته و مبارزه کند، پیش از شناخت دیدگاه‌های نوین این مشروطه خواه، آن سلطنت طلب و یا این حزب تازه تاسیس و یا آن رهبر استحاله یافته فلان سازمان چپ، ضرورت دارد، بدانند در جمهوری اسلامی چه می‌گذرد؟ چه گذشته است؟ مواضع کلیدی در دست کیست؟ آنها که این مواضع را در اختیار دارند، دارای کدام دیدگاه‌های اقتصادی و سیاسی هستند؟...

آشنائی دوباره با طرفداران "ولایت مطلقه فقیه" در جمهوری اسلامی

گروه ۹۹ چگونه به قدرت دست یافت!

آیت الله کنی، آیت الله جنتی، همراه ناطق نوری، که حالا مدافع ولایت مطلقه فقیه هستند و لشکر "انصار حزب الله" را برای سرکوب مخالفان ولایت مطلقه فقیه براه انداخته‌اند، گروه ۹۹ را برای مخالفت با آیت الله خمینی رهبری می‌کردند!

اسدا الله بادامچیان، دبیر اجرایی حزب "مولف‌فلسه اسلامی" و مشاور عالی قوه قضائیه جمهوری اسلامی، در مرداد ماه گذشته با روزنامه "سلام" یک مصاحبه دوساعته و نیمه کاره انجام داد. این مصاحبه در دو نوبت و با ذکر نیمه تمام ماندن مصاحبه، در روزنامه سلام ۲۸ و ۳۰ مردادماه چاپ شد. در سراسر این مصاحبه، بادامچیان تلاش دارد درعین ستیز با چپ مذهبی از چارچوب حرف‌های کلی خارج نشده و وارد جزئیات مربوط به حضور جناح‌های موسوم به چپ و راست در جمهوری اسلامی و اختلاف دیدگاه‌های اقتصادی و سیاسی آنها نشود. درعین حال او منکر هر نوع گرایش به چپ و یا راست در جمهوری اسلامی شده و در برابر پیشنهاد مصاحبه‌کننده که تلاش می‌کند بادامچیان خودش نامی غیر غریبی و غیر شرقی و اسلامی برای این جناح‌بندی‌ها پیدا کرده و اعلام دارد، طفره رفته و آنرا به آینده موکول می‌کند. او در واقع از بیان هر نوع نامی که تأییدکننده حضور احزاب و یا گروه‌بندی‌های سیاسی باشد، خودداری می‌کند. بدین ترتیب، دبیر اجرایی یک حزب حکومتی، که صدور مجوز فعالیت سیاسی برای دیگر احزاب نیز در اختیار اوست (بادامچیان دبیر کمیسیون ماده ۱۰ برای صدور پروانه فعالیت سیاسی به احزاب است!) بر ستیز خود با احزاب و فعالیت آنها پا فشاری می‌کند. بخش‌هایی از این مصاحبه را، که آشکارا در برابر سخنرانی خانم رجانی قرار دارد، در زیر می‌خوانید. آگاهی از این نظرات کسانی، که در جمهوری اسلامی قدرت را در

گفتگوی مطبوعاتی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و نهضت آزادی ایران!

مذاکرات و بحث‌هایی که گفته می‌شود از مدت‌ها پیش بین نهضت آزادی ایران و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی جریان دارد، به شماره‌های اخیر نشریه "عصرما"، ارگان مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز راه یافته است. دکتر ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران در گفتگو و دیداری که از سوی "راه توده" با وی در کشور آلمان صورت گرفت، بر این مذاکرات و بویژه با تأکید بر علنی بودن آن بعنوان گامی در جهت همسوسازی سازمان‌های سیاسی داخل کشور در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی تأکید کرده بود. نشریه عصرما در شماره ۶۰ خود (دیماه ۷۵) در پاسخ به سؤال یکی از خوانندگان این نشریه درباره مواضع سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در برابر نهضت آزادی ایران، ضمن تأکید بر برخی اختلاف نظرات و اختلاف دیدگاه‌های موجود بین این دو سازمان از فعالیت علنی و قانونی نهضت آزادی ایران دفاع کرد. عصرما از قول مسئولین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نوشت، که روزنامه "میزان"، ارگان نهضت آزادی ایران در زمان نخست‌وزیری میرحسین موسوی نه با موافقت دولت، بلکه توسط جناح کنونی راست سنتی، که مستقل از دولت عمل می‌کردند تعطیل شد. (مشروح این خبر در شماره ۵۶ راه توده چاپ شد)

نشریه عصرما در شماره ۶۲ خود نیز ضمن درج نامه توضیحی نهضت آزادی، به برخی نقطه نظرات مطرح شده در این نامه نیز پاسخ داده است. از جمله در این ارتباط می‌نویسد:

«موضع سازمان در قبال نهضت آزادی ایران، از بنو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنونی، همان است که در شماره ۶۰ عصرما بر آن تأکید شده است و از این بابت "تحول مثبتی" به شمار نمی‌رود... با وجود این ما "استقبال" نهضت را از مواضع خود متفاوت با گذشته ارزیابی کرده و آنرا به فال نیک می‌گیریم» (اشاره به ارزیابی نهضت آزادی ایران از حمایت عصرما از فعالیت علنی نهضت آزادی ایران است)

نشریه عصرما پس از اشاره به انتخابات اخیر مجلس اسلامی و اینکه در مرحله نخست آن ۲۵ میلیون نفر در رای گیری شرکت کردند و پس از آنکه این شرکت در انتخابات را دلیل عدم بحران مشروعیت جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کند، درباره فعالیت نهضت آزادی بار دیگر تأکید می‌کند:

«... درباره توقیف روزنامه میزان و عدم صدور مجوز رسمی برای فعالیت نهضت آزادی، تعطیل "میزان" چنانکه پیشتر هم متذکر شده‌ایم، اقدامی خودسرانه و شخصی بوده و مورد تأیید ما نیست و در مورد دوم نیز، چنانکه بارها توضیح داده شده، عدم دریافت مجوز فعالیت از سوی یک حزب و سازمان، به معنای انحلال و حتی غیر مجاز بودن فعالیت آن نیست. کما اینکه در سال‌های اخیر نهضت آزادی بدون داشتن مجوز، اقدام به فعالیت سیاسی کرده است و از جمله همین نامه را برای "عصرما" ارسال کرده است و به همین علت درج آن در نشریه کاری خلاف قانون محسوب نمی‌شود... تحلیل ما از جو کنونی منطبق بر تحلیل نهضت آزادی نیست. ما جو کنونی جامعه و رشد آزادی‌های سیاسی و برخورد آراء و اندیشه‌ها را به رغم پاره‌ای محدودیت‌ها، کاذب نمی‌دانیم و معتقدیم در صورت عدم حاکمیت جناح انحصار طلب در انتخابات ریاست جمهوری آینده، روز به روز شاهد گسترش آزادی‌ها و رشد هرچه بیشتر جامعه و توسعه سیاسی خواهیم بود.»

تهران بودند و رهبریشان در آن زمان در اختیار ناطق نوری بود، که اکنون طرفدار ولایت مطلقه فقیه است و می‌خواهد رئیس جمهور شود!

خبرنگار سلام ادامه می‌دهد: «... بهرحال در جامعه گروه‌ها وجود دارند و جناح‌ها وجود دارند و یک سری افراد و یک سری امور به هم نزدیک‌ترند. وقتی این جناح‌ها و این گروه‌ها وجود دارند، شما چه نامگذاری را پیشنهاد می‌کنید؟ چپ و راست و اینها نه، ولی بالاخره برای اینکه این گروه‌ها از هم متمایز باشند و شناخته بشوند و حرف‌ها و دیدگاه‌هایشان را بیان کنند چه اسمی می‌گذارید؟»

بادامچیان بازهم از نامگذاری ظفره رفته و برای مغشوش کردن مرزها می‌گوید: «چپ و راست، این اصطلاحات غربی و شرقی است. پس هیچ! آن قضیه ۹۹ نفری که رای ندادند، این نبود که امام بفرمایند به دولت رای بدهید و اینها نداده باشند. امام فرمودند من مصلحت نمی‌دانم فلانی نباشد. (منظور دولت موسوی است) اما مجلس باید کار خودش را بکند. چهار نفر از بزرگانمان خدمت امام رفتند، آیت الله مهدوی کنی، آیت الله جنتی، آقای ناطق نوری و شخص دیگری از طرف نمایندگان آنجا رفتند. در محضر امام عرض کردند، اما موقمی که شما می‌فرمائید مصلحت نیست، طبعاً نمایندگان به مصلحت شما رای می‌دهند، اما شما در بخش دوم فرمایشتان می‌فرمائید، نمایندگان باید به وظیفه‌شان عمل کنند. نمایندگان اگر بخواهند به وظیفه‌شان عمل کنند، با دولت ایشان موافق نیستند، بنابراین رای نمی‌توانند بدهند! امام فرمودند همین است که من می‌گویم. این شد که در روز رای گیری، بعضی‌ها به آن قسمت از فرمایش امام رای دادند و بعضی به این قسمت...!»

راه توده: در این پاسخ و توجیه بادامچیان حقایق کتمان‌ناپذیری وجود دارد.

اول- اینکه سردمداران آروز مخالف با نظرات ولی فقیه، همانهایی هستند که امروز ارکان پر قدرت حکومتی را در اختیار گرفته‌اند، یعنی مهدوی کنی، جنتی و ناطق نوری (بادامچیان نام نفر چهارم را نبرده است)؛

دوم- گروه روحانی طرفدار ولایت مطلقه فقیه، در جمهوری اسلامی، امروز از جمله همین سه روحانی هستند،

سوم- از این طرفداران ولایت مطلقه فقیه، که حالا به ظاهر از رهبر کنونی جمهوری اسلامی (علی خامنه‌ای) تابعیت می‌کنند و در واقع او را جلو انداخته‌اند و کار خودشان را پیش می‌برند، باید پرسید، چرا آن ۹۹ نفر که حتماً این سه روحانی هم در جمع آنها بوده، خلاف مصلحت ولی فقیه رای داده‌اند؟ آنها ولی فقیه‌ای که هم در فقه و هم در رهبری و هم در مرجعیت تأیید مذهبی و توده‌ای مردم را داشت؟!؟

خبرنگار و یا خبرنگاران سلام، باز هم تلاش می‌کنند تا بلکه اسدالله بادامچیان، در کسوت صادرکننده مجوز فعالیت برای احزاب سیاسی، سرانجام بر جناحیندی‌ها، تحت هر نامی، که خود می‌پذیرد، مهر تأیید گذاشته و اسمی را برای آنها اعلام کند، تا مسئله احزاب به نوعی طرح شود، اما بادامچیان همچنان از پاسخگویی در این مورد ظفره رفته و تنها بر عدم پذیرش چپ و راست در جمهوری اسلامی پافشاری می‌کند:

«در هر جامعه‌ای، آیا در کشور ما جناحیندی وجود دارد یا ندارد؟ برای این جناحیندی چه اسمی بگذاریم؟ دوستانی که می‌گویند چپ و راست نباید باشد، ما تا حالا ندیده‌ایم که یک پیشنهادی بدهند... ما این جناحیندی‌ها را با چه صفت مشخص کنیم؟ شما پیشنهاد بدهید. آن کسانی که این اصطلاح‌ها را به کار می‌برند، عقلاشان تا اینجا رسیده، حالا دیگران که عقلاشان بیشتر می‌رسد، یک چیز جدید بگویند.»

بادامچیان می‌گوید:

«این پیشنهاد شماست، به همه دوستان ما هم، من این پیشنهاد شما را تکرار می‌کنم، که برادران اگر خواستند اسمی بگذارند... بنده اعتقاد دارم آن کسی که ولی امر می‌فرماید که این چپ و راست و این چیزها را نباید بگوید و اگر دوباره گفت، این در این بخش ولایت پذیر نیست... این گروه‌ها، کسانی هستند که موقمی که ولی امر یک مساله‌ای را می‌فرماید، اینها یواش یواش می‌روند به سمت توجیه... (مصاحبه نیمه تمام باقی می‌ماند)»

(برای درک ولایت‌پذیری امثال بادامچیان، مراجعه کنید به سخنرانی خانم رجائی در همین شماره راه توده)